



آیا نمی‌اندیشید؟

مفهوم عقل در قرآن

عقل از جمله واژگانی است که در نظام‌های مختلف فکری، معانی و تعابیر مختلفی از آن شده است به طوری که به دست‌یافتنی معنایی واحد از آن که مورد توافق همه نعله‌های فکری و حتی دینی باشد، جز با چشم‌پوشی از برخی ویژگی‌ها و تقلیل معنایی، آن گونه که در مکتبی خاص از آن مراد می‌شود، ممکن نیست. در این میان، روشن‌ساختن معنای عقل در تعابیر قرآن از این قاعده مستثنا نیست و فهم معنای آن باید در چهارچوب کاربردهای قرآنی از این واژه صورت پذیرد. شاید یکی از ثمرات پیگیری معنای عقل در قرآن، کشف افق‌های جدید برای درک نسبت میان عقل و ایمان باشد. این نوشتار، مقدمه‌ای برای فهم معنای عقل در قرآن فراهم می‌آورد.

توبه گرهائی

عقل در مقابل احساسات یا تمایلات، به نوبه با استدلالی عقلانی می‌شود که انسان‌ها به وسیله آن جهان را درک می‌کنند. چه بسا مفهوم عقل پس از به‌سنگ‌ترین مسائل در تاریخ گذشته اسلامی باشد. خود واژه عقل در قرآن نهمین بار در سوره بقره (عقل یعنی ۴۹ بار) و همواره به صورت فعل ثلاثی مجرد (عقل یعقل) به معنای فهمیدن، در یافتن، به کار رفته است. دیگر معنی فعل عقل، نظیر هستن پای شتر، «باز داشتن» به غیر داشتن خون‌پها، در قرآن یافت نمی‌شود. در همه نمونه‌ها به جز سوره «توبه» کاتبی فعل به صورت جمع مذکر غایب یا مخاطب و معمولاً در سباق نکره است. به کار رفته است مانند: «فلا تعقلون» و «فقلتم تعقلون» یعنی فلک آیات انبیا می‌دیدند. فرایند شناختی که از آن با فعل عقل تعبیر می‌شود، اساساً بر توانایی انسان‌ها بر درک و نقل و مستحش حقایق آشکار استوار است. این معنای عقل با مفهوم این واژه در شعر جاهلی قرابتی نزدیک دارد. اما در تعداد قابل توجهی از آیات، فعل عقل با حواس پیوند خورده است. این واژه در بیشتر موارد در رابطه‌های مستقیم با حواس و قلب وارد مباحثات فلسفی قرآنی نه جایگاه احساسات و عواطف بل ابزار درک و فهم است. فعل عقل در قرآن به مثابه فرایند شناختی که به ایمان (باور) می‌انجامد بحث‌های حسی و درک عقلی واحد برمی‌گردد و به هر روی، مستثنی بر به کارگیری حواس است. بنابراین عقل هیچ رابطه‌ای با مفهوم نوین خرد ندارد که به قابلیت کسب علم از طریق اندیشه و تأمل ذهنی و چندی از دانسته‌های حاصل از دریافت‌های حسی، مانند صداها، بوها، گش‌های درازی، یا المسی اطلاق می‌شود.

پس هر چه می‌آموزند نخستین تعبیر از این چهار آیه «این فی ذلک آیات لقوم یفکرون» حقیقتاً همان نشانه‌هایی هستند برای کسانی که می‌اندیشند است. در آیات بعدی، نشانه‌هایی برای کسانی که عالم‌پند، برای کسانی که گوش می‌دهند (لقوم یسمعون) و دست‌انگیز نشانه‌هایی برای کسانی که می‌فهمند (لقوم یعقلون) ذکر شده‌اند. در اینجا این چهار تعبیر مترادف نیستند بلکه هر واژه‌های متفاوت دست‌یابی به فهم دلالت دارد. در «عقل» (تفکر) و حسی (تسمیع) و نهایتاً عقل که متفکرین همه موارد پیش گفته است. نه اینجا و نه هیچ جای دیگر در قرآن اصطلاح «عقلون» به کار می‌رود که علم پس‌دراست‌ها یا خبلی زیاد فراتر از گفته‌ها، اشاره ندارد بلکه برعکس مقصود کسانی هستند که از بصیرت دینی ممتازی برخوردارند که گاه از آنها به اولوالعقاب نیز تعبیر شده است. تفاوت میان دو حوزه معنایی عقل و علم این است که دومی می‌تواند در باره خدا نیز به کار رود چنان‌که گفته می‌شود خدا همی دانده (عقلی) اما عقل تنها به فعلی انسانی اطلاق می‌شود که عبارت است از درک نشانه‌های الهی.

بنابراین آموزه‌های قرآنی، امکان فهم حقیقت خدا به وسیله راه‌های قابل فهم و حقایق آشکار و پدید، وجود دارد و حتی همه اقدار عالم‌ها می‌توانند او را درک و شناسند. درک کنند که این خود ناکیدی بر روشن‌بودن نشانه‌هاست پس کفر در وهله نخست ناشی از فقدان قوه عقلانی و درکنش است بلکه کفران قادر بر شناسند نشانه‌ها را هر چنان و در خود «عقل» به‌پندند و در پیوند خدا نشانه‌ها را قرار دادند است ولی این به فرد بستگی دارد که آنها را بشناسد و هدایتشان را بی‌دیده «فقلتم تعقلون» بسا که حضور علی‌الظهور می‌ماند است (شاید) - یکی از متداول‌ترین ادوات با معنای وجهی در قرآن - در این آیه، حکایت از همین امر دانسته باشد. این حرف مشبیه به «فعل» نه فقط به دلایل سبب شناختی، جایگاه خاصی در جهان بینی معنای شناختی قرآن دارد. تامل (همچون واژه حسی) به‌طور ضمنی بر معنای «خواستار» بودن نیز دلالت دارد و ناظر به مسؤولیت خود شخص است یعنی اینکه او بخواهد در خلاصه‌یابی بماند.

بنابراین فعل عقل در ارتباط میان خدا و نوع بشر کارگزار و ویژه و جدی دارد در حالی که واژگانی چون شکر، فقه یا فخر هم که به حوزه فهم درک و اندیشه‌ها می‌روند در دیگر سبب‌های قرآنی نیز به کار رفته‌اند. عملی که در قرآن از آن به عقل تعبیر شده است صرفاً نشانه‌های خداوندی خرد بر خلاف

مفهوم خرد در روشنگری، این عمل (عقل) به خود ختم نمی‌شود بلکه تفسیر و واکنشی است نسبت به نشانه‌ها برای کشف حقیقت. به عبارت دیگر ستایش خدا و ایمان به او از اینها به‌سبب مناسب انسان است وقتی با پیام خدا برای همگان مواجه می‌شود. پس کسی که در نشانه‌ها تامل یافته است.

واژه اسمی عقل در جهانی نسبتاً متفاوت با مفهوم قرآنی آن در احادیث قرآنی دیده می‌شود. خصوصاً در روایاتی که شورش عقلی می‌شوند. در اینجا عقل در معنای علم به کار رفته است که لزوماً به رابطه میان خدا و انسان اشاره ندارد. از این رو ارزشی کلی از فهم عقلانی تنها بر مبنای منابع پیش‌قرآنی ممکن است. با اینکه خواست قرآن برای بصیرت انسان و تلاش برای تبیین روش‌سازی (به معنای واقعی کلمه) - مسلم است و آن چنان که هر قرآن از جاهلیت به خلاصت و از خدا به نور نهمیر شده) اما در قرآن از عقل به‌عنوان قابلیت انسانی برای دستیابی به اقسام فهم به واسطه اندیشه و تأمل سخنی به میان نیامده است.

نقطه عزیمت فلسفه کلامی در قرآن اسلامی مفهوم یونانی عقل (NOUS) بوده و سپس هر یک به‌صورت معنایی و دلالت خاص خود از مفهوم عقل رایج و تفصیل داده که تنها با استفاده از مفهوم قرآنی آن پیوند می‌خورد. به دنبال نفی تجرد در لواحق قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم عقل به سنگینی اصطلاح فلسفی و عقل‌گرایی دینی اثر جولیا است. این بدل شده به همین سبب امروزه ترجیح به عقل در میان مؤلفان مسلمان، نیز به‌باز هر مسلکی که باشند امری عادی شده است.

منابع:
- ابن‌عساکر، حاشیه‌ها بر تفسیر قرآنی، ج ۱، ص ۱۸۸.
- جرجی، علم اسلام، ص ۲۲۶.
- سزائی، علوم و معانی قرآن، ج ۱، ص ۸۲.
- سزائی، علوم و معانی قرآن، ج ۱، ص ۸۲.
- سزائی، علوم و معانی قرآن، ج ۱، ص ۸۲.
- سزائی، علوم و معانی قرآن، ج ۱، ص ۸۲.

- T.J. De Boer and F. Rahman, Aql, in EIL, i, 341-2.
- W.C. Chittick and F. Rahman, Aql, in Encyclopaedia iranica, ii, 194-8.
- K. Cragg, The mind of the Qur'ān, Chapters in reflection, London 1973, 129-62 (esp. for la'Yalla).
- Van Ess, Theologie und Gesellschaft im 2. und 3. Jahrhundert Hidschra. Eine Geschichte des religiösen Denkens im frühen Islam, 6 vol., Berlin/New York, 1991-7, (s.v. Yaql, Verstand in index).
- C. Gilliot, Mythe et théologie. Calame et intellect, prédestination et libre arbitre, in Arabica 45 (1998), 151-92.
- Lzusu, God and man in the Koran, New York 1964, 65 £, 133 £, 231 £.
- N. Kermani, Appelliert Gott an den Verstand? Eine Randbemerkung zum koranischen Begriff 'Yaql und seiner Paret'schen Übersetzung, in L. Edzard and C. Szyska (eds.), Encounters of words and texts. Intercultural studies in honor of Stefan Wild, Hildesheim/Zürich 1997, 43-66.
- A. von Kugelgen, Avernoes und die arabische Moderne. Ansätze zu einer Neubegründung des Rationalismus im Islam, Leiden 1994 (s.v. Vernunft, Verstand in index; esp. for the contemporary discussion).
- F. Rahman, The philosophy of Mullā Nadrā, Albany, NY 1975, 146-66, 232-46.
- F. Rosenthal, Knowledge triumphant. The concept of Knowledge in medieval Islam, Leiden 1970.
- T. Seidenstücker, Altarabisch 'Herz' und sein Wortfeld, Wiesbaden 1992.
- M. Ullmann, Arabisch 'Yaql' "vielleicht." Syntax und Wortart, Munich 1984.

این نوشته ترجمه‌ای است از 'Intellect', in Encyclopaedia of the Qur'ān, ed. Jane Dammen McAuliffe, II, 547-549.
این نوشته‌ها:
۱- سزائی، علوم و معانی قرآن، ص ۲۲۶.
۲- سزائی، علوم و معانی قرآن، ص ۸۲.
۳- سزائی، علوم و معانی قرآن، ص ۸۲.
۴- سزائی، علوم و معانی قرآن، ص ۸۲.

